

فلسطین در آتش و خون

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن قاطعانه جنایات ارتش اسرائیل در فلسطین از خواست نیروهای فلسطینی برای تشکیل یک کمیسیون بین المللی برای رسیدگی به این کشتارها حمایت می کند.

طی درگیری های چند روزه تعداد زیادی را کشتند و زخمی کردند. اعتراضات مردم فلسطین، در مخالفت با اقدام تحریک آمیز «آریل شارون»، رهبر افراطی حزب لیکود، در بازدید از اماکن مذهبی در شرق بیت المقدس بود، در حالی که از سوی بیش از ۱۰۰۰ مأمور پلیس همراهی می شد. فلسطینی ها مدعی مالکیت این اماکن مذهبی اسلامی اند که در بخش عرب نشین بیت المقدس قرار دارند. سران چندین کشور جهان، از جمله فرانسه، اقدام تحریک آمیز «شارون» و بی اعتنائی دولت اسرائیل به آن را شدیداً محکوم کردند. چندین کوشش بین المللی برای پایان دادن به موج کشتار فلسطینی

در صفحه ۷

جهان کشتار فلسطینی ها را محکوم می کند!

نیروهای ارتش اسرائیل، در حمله جدید خود به شهرهای فلسطینی و جنوب لبنان با تانک و توپ و هواپیماهای بمب افکن، با به خاک و خون کشیدن مردم باعث کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر و مجروح شدن تعداد بیشماری و ایجاد بحرانی تازه در خاورمیانه شدند. بن بست مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین، به علت عدم توافق دوطرف بر سر مسایل عمده مطروحه در این مرحله، به روی کار آمدن دولت ائتلافی جدید در اسرائیل و فشارهای داخلی از سوی نیروهای دست راستی، زمینه ایجاد درگیریهای نظامی گسترده اخیر میان دو طرف را ایجاد کرد. ارتش اسرائیل با ورود به جنوب لبنان، نوار غزه، اورشلیم و دیگر شهرهای فلسطین، مردم را، که بر ضد تحریکات مقامات مسئول اسرائیلی دست به اعتراض زده بودند، به گلوله بستند، و

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۴، دوره هشتم
سال هفدهم، ۲۶ مهر ماه ۱۳۷۹

در لایحه ششماه

- تأملی درباره ماجرای استعفای دکتر مهاجرانی ص ۲
- جنبش اصلاح طلبی و انتخابات آینده ص ۲
- بدردود رفیق «جمعه شنگل» و رفیق دانشیان ص ۳
- تحقق یک آرزو درباره روابط ایران و انگلستان ص ۳
- همبستگی روزنامه نگاران کانادایی ص ۶
- «نامه مردم» در جشن روزنامه «اومانیته» ص ۶
- استقرار «نظم نوین جهانی» در یوگسلاوی ص ۷

ضرورت ایجاد «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی» در داخل کشور

در روزهای اخیر اخبار نگران کننده بی پیرامون صدور احکام جابرانه، درباره برخی از زندانیان سیاسی درج پیدا کرده است. امکان صدور حکم اعدام برای مبارز و شخصیت برجسته اجتماعی، حجت الاسلام بوسفی اشکوری، پرونده سازی مجدد برای دکتر کدیور و عبدالله نوری، و تشدید فشار بر روی زندانیان دستگیر شده، از جمله، باقی و گنجی برای اعتراف به گناهان ناکرده و توبه، نشانه های بسیار نگران کننده بی است که نمی توان آنها را نادیده گرفت

با شعله ور شدن آتش مبارزه بر ضد رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه»، بر فعالیت و حملات ارگان های سرکوب گر رژیم نیز افزوده شده است و دیگر بار شمار زندانیان سیاسی کشور روبه افزایش است. دستگیری ده ها نویسنده و دگراندیش مدافع اصلاحات، در ماه های اخیر، از جمله گنجی، باقی، قوچانی، اشکوری، مهرانگیز کار، و ادامه زندان کسانی همچون نوری، صفری، شمس الواعظین، در کنار صدها زندانی سیاسی دیگر از گروه های «غیر خودی» که اکنون سال هاست در دشوار ترین وضعیت شکنجه و آزار روحی و جسمی قرار دارند، بار دیگر مسأله ضرورت یک حرکت وسیع و سراسری برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و تلاش برای آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، یکی از مسایل مهم و مبرم روز و در دستور کار جنبش مردمی است. در هفته های اخیر، دفتر آیت الله منتظری نیز لیستی شامل بیش از ۱۶۰ زندانی سیاسی را، که در ارتباط با آیت الله منتظری دستگیر شده اند، انتشار داده است. در میان این لیست، ده ها روحانی، دانشجو، معلم، کتابفروش، مدرس حوزه، کارگر، کفاش، کاسب، شماری پاسدار، کشاورز و حتی امام جمعه نیز به چشم می خورد. حزب توده ایران، اکنون سالهاست که به تنهایی

ماfiای ذوب در ولایت، و تولید ملی

ژرفش بحران اقتصادی و معضلات بی شمار ناشی از آن، بحث و بررسی های جدی و داغی را در بین محافل مختلف دامن زده است. در این میان، جناح ذوب در ولایت، با بهانه قراردادن مشکلات بزرگ معیشتی «حل مسایل اقتصادی» را، به عنوان اولویت در اوضاع کنونی، با حرارت بسیار در بلندگوهای تبلیغاتی خود مطرح ساخته است، و وانمود می نماید که، راه برون رفت از بحران کنونی، چشم بستن بر واقعیت ها و پرداختن به امور صرفاً معیشتی است.

بی شک، وضعیت فاجعه بار اقتصادی- اجتماعی جامعه، اتخاذ تدابیری جامع، فوری و قاطع را به منظور برقراری عدالت اجتماعی طلب می کند، اما ناگفته پیداست که، دستاویز قراردادن این نیاز و ضرورت مبرم از سوی مدافعان ذوب در ولایت، که خود از پدیدآورندگان این فاجعه اند، هدف سیاسی معینی را دنبال می کند و از روی «خیرخواهی» حضرات نمی تواند

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

تأملی درباره‌ی ماجرای استعفای مهاجرانی از وزارت ارشاد

با اینکه چند مدتی از رفتن یا کنار گذاشتن مهاجرانی صحبت‌هایی در مطبوعات به میان می‌آمد، اما هر بار با نکتذیب‌هایی همراه بود که حاکی از بی‌اساس بودن چنین شایعاتی بود. هفته گذشته تقریباً مسلم گردید که بالاخره پست وزارت ارشاد از کنترل مهاجرانی خارج خواهد شد. جمیله کدیور همسر مهاجرانی در مصاحبه با روزنامه همبستگی در این مورد گفت: «ایشان روز سه شنبه استعفای خود را رسماً تحویل آقای خاتمی داده اند.» (اطلاعات بین‌المللی جمعه ۲۲ مهرماه) الهه کولایی نماینده مجلس در باره استعفای مهاجرانی اظهار داشت: «بودن یا نبودن افراد به رغم میزان تاثیرشان در کلیت اثر گذار نخواهد بود و لازم است در عرصه سیاسی در زمان‌های خاص انعطاف‌هایی برای مداوم یک جریان کلی که سرمایه‌های زیادی مصروف آن شده است، ایجاد شود.» (اطلاعات بین‌المللی، چهارشنبه ۲۰ مهر) سعید لیلزار که از او به عنوان فرد نزدیک به کارگزاران سازندگی نام برده شده است در مورد کنار گذاشتن مهاجرانی از پست وزارت ارشاد گفت: «رئیس جمهوری در سه سال گذشته بیشترین فشارها را در مورد آقای مهاجرانی متحمل شدند ولی تن به پذیرش استعفای ایشان نداده اند. در حال حاضر نیز تغییر پست مهاجرانی برای کم کردن فشارها بوده است.» (اطلاعات بین‌المللی جمعه ۲۲ مهر). شجاعیان پور نایب رئیس اول کمیسیون فرهنگی مجلس در این مورد گفت: «به صلاح جریان اصلاحات است که مسئولیت وزارت ارشاد را به کس دیگری واگذار کند تا بتواند سیاست‌های آقای خاتمی و مهاجرانی را پیش ببرد و حساسیت‌های فعلی را نیز کاهش دهد.» (ایسنا، چهارشنبه ۲۰ مهرماه) سازگار نژاد نماینده شیراز در مجلس گفت: «اصلاحات در ایران بر اراده مردم استوار است، یعنی این برنامه ملی به پشتوانه حمایت مردم استمرار خواهد یافت. البته نقش برجسته پیشتازان، پرچمداران، اندیشمندان و نظریه پردازان اصلاحات در این زمینه کاملاً عمیق و موثر است اما بی تردید با حذف یک نفر کلیت اصلاحات متوقف نمی‌شود.» (آفتاب یزد، شنبه، ۲۳ مهرماه).

قبلاً ذوب شدگان در ولایت، مکرر در مجامع عمومی، نمازهای جمعه، ارگان‌های تبلیغی و سخنرانی‌های گوناگون ابراز نگرانی خود را از آنچه که وضعیت نامطلوب فرهنگی در کشور می‌نمایند، بیان می‌داشتند. موضوع کناره‌گیری یا کنار گذاشتن مهاجرانی از آن رو با اهمیت است که قبلاً چنین اقدامی توسط مرتجعان برای عبدالله نوری به عمل آمد، اما در آن مقطع به دلیل در اختیار بودن مجلس پنجم زیر کنترل نیروهای فوق‌ارتجاعی، چنین امری دور از انتظار و باور عمومی نبود. از صحبت‌های اصلاح طلبان حکومتی که در بالا آورده شده است نیز باید به نتایج پیشین رسید. یعنی اینکه یا نمی‌خواهند و یا نمی‌دانند هر گام عقب‌نشینی در برابر جناح مقابل، عقب‌نشینی‌های بعدی را به همراه خواهد داشت. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا چنین امری و حوادثی بعد از حضورهای مستمر و پرشکوه مردم در صحنه‌هایی که امکان دخالت به آنها داده شده بود، غیر قابل باور می‌نماید؟ اینجا اصولاً بحث اینکه صحت ارزیابی‌های حزب توده ایران به اثبات رسیده مطرح نیست، چه ما امیدوار بودیم این ارزیابی‌ها غلط از آب در می‌آید اما راه پیروزی و سعادت مردم ایران هموار می‌گردید. کلیدی‌ترین نکته‌ای که حزب توده ایران حتی در روز بعد از انتخابات بر آن انگشت گذاشته و به طور مستمر روی آن پافشاری می‌کند همانا مسأله ولایت فقیه است که در چارچوب چنین سیستمی اراده یک فرد آن هم به نام دین و مقدسات بر تمامی اراده و خواست مردم چیره گشته و با این عنوان که ولی فقیه نماینده خدا بر روی زمین است، با بیچاندن

آن در هاله‌ی بی‌از تقدس، جنایات و اعمال سرکوب‌گرانه خود را توجیه می‌کنند. آن چیزی که امروز رفتن شخصی همچون مهاجرانی را حساسیت برانگیز می‌کند نه رفتن یک شخص، بلکه اقداماتی است که به دنبال آن روی خواهد داد. اگر نگاهی به دیگر حوادثی که در هفته گذشته روی داد بیفکنیم شاید عمق خطری که جنبش مردمی را تهدید می‌کند بیشتر درک می‌شود.

جنبش اصلاح طلبی و انتخابات آینده

مجموع حوادث همین یک هفته گذشته به خوبی نشان می‌دهد که مرتجعان به طور حساب شده و آگاهانه در حال پیشروی به سوی تسخیر سنگرهای مردمی هستند. آیا این اقدامات بر طبق گفته اصلاح طلبان حکومتی نمی‌تواند تاثیری در روند اصلاحات داشته باشد؟ امروز بیشترین صحبت‌ها در باره انتخابات ریاست جمهوری سال آینده دور می‌زند. آن چیزی که از لابلای صحبت‌های اصلاح طلبان حکومتی می‌شود فهمید این است که آنها تحت فشار مجبور به برکناری مهاجرانی گردیده اند. اگر این فرضیه مورد قبول واقع گردد چه تضمینی وجود دارد چنین فشارهایی در مورد خود خاتمی به عمل نیاید؟ اگر امروز آنها به هر دلیلی به این فشارها تن در می‌دهند، طبعاً در موارد دیگر هم همین مورد صدق پیدا خواهد کرد. کدیور، سروش، آغاچری و دیگران از هر گونه سخنرانی عملاً منع شده اند. هر گونه اقدام به سخنرانی آنها با عکس‌العمل اوباش حزب‌اللهی تحت فرمان مقامات بالای حکومتی غیر ممکن گردیده است. اقدام به برگزاری سخنرانی و نشست‌های عمومی و سالیانه تشکل‌های مجاز در جمهوری اسلامی همچون دفتر تحکیم وحدت به تعطیلی کشانده می‌شود.

محاکمه دگر اندیشان و روزنامه نگاران و فعالان سیاسی بدون واژه و در چارچوب «قانون» ادامه دارد. شمس الواعظین هفته گذشته بار دیگر با یک سری اتهامات جدید به دادگاه فرمایشی فراخوانده شد. از سرنوشت ده‌ها نفر از دانشجویان دستگیر شده در جریان رویدادهای کوی دانشگاه و تبریز هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. مجلس عملاً فاقد هر گونه قدرت برای تصویب لوایح مردمی می‌باشد. وقتی زمره رفتن مهاجرانی از وزارت ارشاد بر سر زبان‌ها افتاد، مطبوعات از قول محمد خاتمی نوشتند که او گفته، «ما با هم آمده ایم و با هم خواهیم رفت»، اما این امر امروز عملاً با بن بست مواجه شده است.

ذاکری نماینده مجلس در قوچان در این باره اظهار داشت: «با توجه به اینکه آقای خاتمی به مردم قول داد که «من تا آخر هستم» بنابراین حضور وی در انتخابات قطعی به نظر می‌رسد.» (اطلاعات بین‌المللی چهارشنبه ۲۰ مهرماه) اگر نگاهی به صحبت‌های خاتمی در مورد قتل‌های زنجیره‌ای و همین وضعیت مهاجرانی در چند هفته گذشته بیاندازیم، این امر باید بیشتر به یک خوش باوری تعبیر شود. حتی اگر در این زمینه به حرفی که زده شده عمل شود، با توجه به وضعیت کنونی روند اصلاحات چگونه به پیش برده می‌شود؟ امروز با توجه به تحولات کشور یوگسلاوی و کنار رفتن میلوسویچ، نظرها به این کشور و همانند سازی تحولات این کشور با وضعیت سیاسی میهن مان ایران معطوف گردیده است. صرف نظر از اینکه در تحولات یوگسلاوی چه نیروهای خارجی و داخلی قرار داشتند که منجر به چنین نتایجی گردید، اما نکته‌ای که باید مورد توجه

جدی قرار گیرد، سازمان دهی و رهبری چنین اقدامی بود. مسلماً کسانی که حضور صدها هزار نفری مردم در یوگسلاوی را یک حرکت خود جوش مردمی صرف می‌دانند، سخت در اشتباه می‌باشند. تحولات یوگسلاوی از طرف هر نیرویی که انجام گرفت یک واقعیت را در خود دارد و آن وجود یک سازمان دهی در پشت این تحولات بود. اگر قرار است رویدادهای یوگسلاوی سرمشقی برای نیروهای مترقی در وهله کنونی برای میهن مان ایران باشد، همین مسأله سازمان دهی می‌باشد. در هر حال نتیجه‌گیری از رویدادهای اصولاً بحث بر روی موارد مجزا و حوادث مختلف نیست. مهم ترین نکته در این رابطه اصل حرکتی است که نقطه اوج آن در خرداد ۷۶ به وقوع پیوست و تاکنون علیرغم تمامی سرکوب‌گری‌ها ادامه داشته است. واقعیت این است که میهن ما دوران بسیار حساس و مشکلی را از سر می‌گذراند.

از یک طرف ما با نیروهای درنده خوبی روبرو هستیم که ثابت کرده اند برای حفظ قدرت حاضرند به هر جنایتی دست بزنند و چنانچه فرصتی پیدا کنند کوچک ترین تردیدی به خود راه نخواهند داد. از طرف دیگر با نیروهای مامشات طلبی مواجه هستیم که در جو ترور و سرکوب دیگر نیروهای مترقی به عنوان اصلاح طلب، بر روی امواج مطالبات مردم سوار گردیده و همین امر ضرباتی را به جنبش مردمی وارد کرده است. کسانی هم که از این جمع اعتقاد راستین به دموکراسی و مردم سالاری دارند یا به زندان افکنده شده اند و یا تحت فشارهای فزاینده قرار دارند. حزب توده ایران از سال‌ها پیش ضرورت یک جبهه متحد ضد دیکتاتوری را با حضور تمامی نیروهای مترقی که خواهان آزادی و رهایی میهنمان از چنگال مستبدین حاکم هستند، اعلام داشته است. روند تحولات سیاسی که هم اکنون در میهن ما جریان دارد، ضرورت یک چنین جبهه‌ای را بیش از پیش طرح می‌کند. این مهم از آنجا ناشی می‌شود که جنبش مردمی، نیاز به یک رهبری قاطع و سازمان دهی منسجم دارد. این مسئولیتی است که بر دوش هر نیروی مترقی سنگینی می‌کند، چون به دلایل متعدد این امر از عهده یک نیروی سیاسی به تنهایی بر نمی‌آید. حزب توده ایران پیشاپیش آمادگی خود را برای تحقق چنین امری اعلام می‌دارد و از تمامی نیروهای ترقی خواه یاری می‌طلبد. امروز عرصه‌های مختلف و بسیار زیادی وجود دارد که حرکت و کار مشترک حول آنها می‌تواند آرام و درد‌های

بدرود رفیق سلیمان دانشیان

با کمال تأسف مطلع شدیم که رفیق سلیمان دانشیان، کارگر سندیکالیست، دبیر سابق سندیکای کارگران ساختمانی، توده ای مومن و انترناسیونالیست فداکار، در روز ۱۳ مهرماه ۱۳۷۹، در سن ۶۸ سالگی، پس از مدتی بیماری بدرود حیات گفته است. او که پیوسته به آرمان های حزب وفادار بود در جریان بیدادگاه نظامی رژیم شاه در سال ۱۳۴۵ ضمن دفاع از حزب توده ایران گفت: «... قانون سندیکایی نیست. سندیکاها اکنون وسیله بی در دست سازمان امنیت است. سابقاً حزب ملیون و حزب مردم کوشیدند از سندیکاها به نفع خود استفاده کنند، اکنون حزب ایران نوین همین کار را می کند. هر حزبی که در قدرت باشد از سندیکاها برای مقاصد خود استفاده می نماید. هر نوع مخالفت در داخل سندیکاها به شدت خفه می شود. قانون کار فقط ۴۴ ریال مزد روزانه را به رسمیت می شناسد. زن و بچه های کارگران گرسنه اند و حق زندگی ندارند. این است دلایل عضویت من در حزب توده ایران، حزبی که از حقوق کارگران دفاع می کند. باید این مسایل را در کشور حل کرد. با زور مجازات مسایل اجتماعی حل نمی شود. این است دفاع من. من کارگرم و از حق خود و وظیفه خود دفاع می کنم!» (به نقل از «نامه مردم»، دوره ششم، شماره ۱۶، ژوئیه ۱۹۶۵).

رفیق سلیمان دانشیان در مجموع، نزدیک به ۱۴ سال از عمر خود را در زندان های ستم شاهی گذراند. او در جریان اعتصاب زندانیان در بند شماره ۳ زندان قصر بر اثر ضربه بی که در پی حمله درخیمان به سر او خورده بود بینایی خود را از دست داد و با کمک خانواده حکمت جو و اصرار رفیق خاوری، مهندس مهدی بازرگان و زنده یاد طالقانی، یکی از جراحان معروف چشم به زندان آمد و چشم او را عمل کرد. در گذشت این رفیق توده ای و سندیکالیست را به رفقا و خانواده او تسلیت می گویم.

بدرود رفیق کارگر توده ای «جمعه سنگل»

وقتی شنیدم رفیق «جمعه سنگل» جهان ما را ترک کرد. بغض تلخی گلویم را فشرده و شکسته شد. از سال ۱۳۲۵، سال اوج گیری جنبش کارگری و توان سراسری شورای متحده مرکزی و سندیکاهای صنعت نفت در آبادان و رسیدن کارگران به بخشی از خواست هایشان در یک زور آزمایی طبقاتی سخت، با فراز و نشیب های خونین، او، از زمهره بازماندگان نبرد بود که طعم تلخ یک شکست و یک دیکتاتوری خشن بیست و چند ساله را، با آرزوی شکست آن، تا اینجا کشیده بود! با دغدغه های همیشگی زندان و بگیر و ببند و تبعید و اخراج. هنوز جوان بود که آزمون دشوار نبرد را در کنار کارگران، در شهر آبادان، آموخت و به صفوف حزب توده ایران پیوست. متولد سال ۱۳۱۰ بود. از آن یک دنده هایی که تا پایان روی حرفشان می مانند. و آسمان را همیشه آبی می خواهند و آفتاب را همیشه تابان! می گفت: «شاید عمر ما کفاف ندهد!! اما جهان مال ستمکشان است، شک ندارم!» رفیق «جمعه سنگل» در سال ۱۳۵۲، همراه با ۴۰ کارگر دیگر بالایشگاه آبادان، به علت فعالیت های مستمر گارگری، از جمله درخواست افزایش دستمزد، و کاهش ساعت کار در هفته دستگیر و به تبعید فرستاده شد و تا ماه هایی پیش از انقلاب در تبعید بسر می برد. پس از انقلاب یکی از خواست های کارگران بالایشگاه نفت آبادان برگرداندن این کارگر تبعیدی بسر کار بود که با موفقیت روبه رو شد. پاییز سال ۱۳۵۷ بود، پیش از انقلاب، به دلیل سخنرانی برای کارگران بالایشگاه، از طرف ساواک بازداشت شد. سر نترسی داشت. پس از یورش خونین جنایتکاران جمهوری اسلامی به احزاب و سازمان ها هم بازداشت شد و به زندان رفت و اخراج شد. روی حرفش ماند. و هیچ شکستی او را نشکست. اواخر مرداد ۱۳۷۹ را با سکنه مغزی آغاز کرد و سیزده روز در بیمارستان، در اصفهان، در حالت اغما ماند. فقط در این حالت بود که به زحمتکشان نیندیشید. پادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

«تحقق يك آرزو»!

ایران به یکی از بزرگ ترین بازارهای جهان برای محصولات صادراتی انگلستان بدل می شود

گسترش روابط سیاسی - اقتصادی ایران با جهان خارج از مهم ترین موضوعات مورد بحث در کشور است. بر کسی پوشیده نیست که، اقدامات و عملکرد زبان بار رژیم ولایت فقیه طی دو دهه گذشته در عرصه سیاست خارجی، پیامدهای ناگوار و بسیار سنگین برای میهن ما به همراه داشته است و از این رهگذر منافع ملی ایران بشدت آسیب دیده است. از این رو، نیروهای ترقی خواه و میهن پرست و از جمله حزب توده ایران، همواره خواستار برقراری روابطی آشکار و اصولی بر مبنای عرف شناخته شده دیپلماتیک و رعایت حقوق طرفین بوده اند. ویژگی بارز سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره اخیر، نمایشگر تفاوت فاحش میان حرف و عمل است: از سوی ما با شعار تند ضد غربی و ضد آمریکایی روبه رو بوده ایم و از دیگر سو، شاهد زد و بندهای پنهانی و معاملات غیر قانونی و سیاهی بوده ایم، که در آنها حقوق ایران پایمال شده است.

اکنون نیز جمهوری اسلامی، روابط ناسالم اقتصادی خود را از صورت پنهانی به در آورده است، و تحت عنوان «گسترش روابط با جهان» به تبلیغ آن پرداخته است. در میان شرکای اقتصادی ایران، انگلستان جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است و در صدد احراز مقام اول در معاملات بازرگانی با جمهوری اسلامی است. انگلستان با برنامه ریزی دقیق و با توجه به نفوذ ریشه دار خود در میان بخش هایی از حاکمیت، می کوشد تا ایران را به بزرگ ترین بازار محصولات صادراتی خود مبدل سازد. در این باره مسئولان انگلیسی شور و اشتیاق خود را پنهان نمی سازند و از این هدف با عنوان «تحقق یک آرزو» یاد می کنند.

روزنامه اطلاعات بین المللی به تاریخ ۳۰ خرداد ماه سال جاری در گزارشی خبر مسافرت، جان هیل رئیس، گروه تجارت خاورمیانه را، در راس یک گروه ۳۵ نفره به تهران منتشر کرد. این روزنامه از جمله نوشت: «جان هیل خطاب به شرکت کنندگان در ضیافت ناهاری که روز پنجشنبه (۲۷ خرداد) در شهر لندن به این مناسبت برگزار شده بود گفت: سفر به ایران «تحقق یک آرزو» است. وی هشدار داد عدم برخورد مثبت با تجار در ورود به بازار ایران که قابلیت تبدیل شدن به یکی از بزرگ ترین بازارهای جهان برای صادرات محصولات انگلیس را دارد، امکان رقابت تجار انگلیسی با بازرگانان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و حتی تا یک سال دیگر با تجار آمریکایی را کم خواهد کرد» (اطلاعات بین المللی، دوشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۹).

علاقه وافر جناح هایی در درون حاکمیت برای بسط رابطه با انگلستان، حتی مقامات ارشد دولت تونی بلر را به تحرک واداشته است. وزیر مشاور در امور خارجه انگلستان در مصاحبه ای که بخش هایی از آن در روزنامه اطلاعات بین المللی به تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۷۹ درج گردید، از جمله یادآور شد که: «رایب کوک در تابستان امسال از تهران دیدار خواهد کرد، در روابط دو کشور کندی مشاهده نمی شود.» در همین مطلب همچنین اعلام می شود یک شرکت انگلیسی به نام تی - پی - ام مشغول مذاکره با مقامات ایرانی ست، نماینده شرکت تی - پی - ام که در امور تعمیر، نگاهداری و فروش قطعات توربین های گازی و بخاری فعال است، ضمن سفر به ایران و دیدار از بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، اظهار داشت، این شرکت آماده سرمایه گذاری در ایران است و نتایج مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی را مثبت ارزیابی می کند.

شایان توجه است که، ده ها شرکت ریز و درشت انگلیسی طی چند سال اخیر، فعالیت وسیعی را در ایران آغاز کرده اند، که در میان آنها فعالیت شرکت های نفتی برجسته است. تلاش انگلستان برای ورود سریع و آسان به بازار ایران در اوضاع کنونی بی دلیل نیست. همزمانی کوشش انگلستان برای تسخیر بازار ایران با ورشکستگی صنایع داخلی و افت تولید ملی نمی تواند اتفاقی باشد.

روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی در گزارشی که در تاریخ ۱۷ خرداد ماه منتشر ساخت اعلام می دارد، وضعیت صادرات غیر نفتی کشور نگران کننده است. در گزارش گمرک تاکید می شود: «ادامه سیر نزولی صادرات غیر نفتی در دو ماهه اول سال جاری به میزان ۳۳ درصد، وضعیت صادرات غیر نفتی کشور را در شرایط نگران کننده ای قرار داده است. بر اساس آمار، ارزش صادرات غیر نفتی در دو ماهه اول سال از نظر وزن به رقم ۱۷۵۳ هزار تن و از لحاظ ارزش به رقم ۳۵۳ میلیون دلار رسیده که، نسبت به مدت مشابه سال قبل به ترتیب ۳۳/۲ و ۳۳ درصد کاهش نشان می دهد. صادرات ۵ قلم اول کالاهای غیر نفتی کشور یعنی فرش دستباف، بسته، مغز بسته، آهن آلات، پولاد، مواد شیمیایی و مصنوعات مسی بین ۲۴ تا ۷۶ درصد کاهش نشان می دهد» (کیهان ۱۷ خرداد ۱۳۷۹).

بر اساس همین گزارش، به موازات افت صادرات، واردات کالاهای خارجی افزایش فوق العاده پیدا کرده است. واردات کالا از لحاظ وزن ۳۷۸ درصد و از لحاظ ارزش ۱۰ درصد رشد یافته است.

با تحلیل دقیق این اوضاع نابسامان و ناگوار است که انگلستان زمان، برای ورود به

ادامه مافیای ذوب در ولایت و تولید...

باشد.

کارنامه مدافعان ذوب در ولایت، و داد و ستدهای هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری، نشان می‌دهد که، اینان با پذیرش و سپس اجرای نسخه‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، موجب نابودی و اضمحلال اقتصاد و فروپاشی تولیدات ملی شده و با غارت ثروت ملی، شکاف طبقاتی ژرفی را در جامعه به وجود آورده‌اند. آنچه طی هشت سال ریاست جمهوری رفسنجانی در ائتلاف با جناح ذوب در ولایت بر سر تولیدات ملی و بنیه اقتصادی کشور آمد، لطمه بزرگی است که جبران آن نیازمند سالها نوسازی و بازسازی اقتصادی کشور است. امروزهمین جناح برای به انحراف کشاندن جنبش مردمی و باز پس‌گیری سنگرهای از دست رفته، نقاب دلسوزی برای امور معیشتی مردم را بر چهره خود زده است، برای آنکه سیمای ضد مردمی و سرشت ارتجاعی این مدعیان دروغین، که یکباره «مردم دوست شده» و برای پایمال شدن عدالت اجتماعی اشک تمساح می‌ریزند، افشاء گردد، باید به یکی از آخرین نمونه‌های تعلق خاطر حضرات به رشد اقتصادی و تولید ملی توجه کرد. این نمونه، عبارت است از بحرانی که، طرح توسعه نیشکر خوزستان را در معرض نابودی کامل قرار داده است. طرح توسعه نیشکر خوزستان، از زمره مهم‌ترین و حیاتی‌ترین طرح‌های صنعتی کشاورزی میهن ما، پس از انقلاب شکوهمند بهمن است. این طرح ملی و پر اهمیت، در قالب ایجاد هفت واحد کشت و صنعت نیشکر، به وسعت ۸۴ هزار هکتار در اولین برنامه پنج‌ساله توسعه پیش‌بینی و مسئولیت آن به وزارت کشاورزی سپرده شد.

در این بزرگ‌ترین طرح صنعتی - کشاورزی کشور، قرار است، علاوه بر هفت مجتمع کشت و صنعت پیشرفته، ۲۲ کارخانه جانبی و ۷ کارخانه مدرن تولید شکر ایجاد شود. پروژه‌های صنعتی با اهمیتی نظیر فیبر نیمه سنگین، کارخانه‌های تولید کاغذ، تولید جوب مصنوعی (صنایع نئوپان فشرده)، تولید الکل، خمیر مایع و، بطور کلی، صنایع بیوتکنولوژی در این طرح در نظر گرفته شده است. با اجرای کامل این طرح، حدود ۶۰ هزار فرصت شغلی پدید می‌آید و بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در بودجه کشور بطور سالیانه صرفه جویی می‌شود. تاکنون، در طرح مذکور بیش از ۵ هزار میلیارد ریال هزینه ریالی و نزدیک به ۵۵۰ میلیون هزینه ارزی صورت گرفته و بیش از ۱۷ هزار کارگر، کارمند، تکنسین، مهندس و متخصصین مختلف در آن مشغول به کار بوده‌اند. اما این طرح مدت ۹ سال است، نیمه تمام باقی مانده و به مرحله اجرا نرسیده است. روزنامه توقیف شده «بهار»، در تاریخ ۲۴ خرداد ماه سال جاری در گزارشی تحت عنوان: «بحران در کمین طرح توسعه نیشکر است» با صراحت نوشت: «به علت کمبود تقدینگی و عدم تخصیص اعتبارات، افتتاح کارخانه شکر خام واحد امیر کبیر از طرح توسعه نیشکر که قرار بود تا پایان بهار امسال انجام شود، به تاخیر افتاد. یک مقام مسئول در شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن اضافه کرد، به علت عدم تخصیص اعتبارات ریالی و ارزی برای پروژه‌های فیبر نیمه سنگین، بیوتکنولوژی و کارخانه‌های کاغذ، نمی‌توانند زمانی را برای راه‌اندازی این واحدها پیش‌بینی کنند.»

به این ترتیب، سیستم بانکی جمهوری اسلامی و مقامات بانک مرکزی هیچ‌گونه اعتبار مالی برای مهم‌ترین طرح استراتژیک صنعتی - کشاورزی کشور در نظر نگرفته‌اند. مسئولین و مقامات طرح توسعه نیشکر خوزستان صراحتاً اعلام داشته‌اند، با وجود اینکه سال ۱۳۷۸ خورشیدی به پایان رسیده است، اما هنوز از نحوه تامین اعتبارات مورد نیاز برای تکمیل مابقی طرح در سال کنونی، هیچ اطلاعی ندارند.

جالب توجه اینجاست که، پروژه‌های ملی که برای رشد اقتصادی و تقویت بنیه تولیدات ملی کشور با اهمیت قلمداد می‌شوند، از سوی دولت و بانک مرکزی اعتباری به آنها تعلق نمی‌گیرد، ولی تجار بازار، واردکنندگان کالاهای عمده از خارج، به ساده‌ترین صورت ممکن، از اعتبارات بانکی برخوردار بوده‌اند و به آن دسترسی دارند. مبالغ هنگفتی از درآمد ملی کشور به عنوان اعتبارات مالی به تجار بازار تخصیص داده می‌شود و اما امکان مالی لازم در اختیار صنایع ملی قرار نمی‌گیرد. در یک برآورد کارشناسانه، اعلام گردیده است که، در سال‌های اولیه به اصطلاح رونق اقتصادی بازار نفت یعنی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴، به نام واردات کالا توسط بخش خصوصی، بیش از ۶۰ میلیارد دلار ارزش حاصل از فروش نفت، به نرخ ناچیز دولتی، از خزانه کشور به جیب تجار بازار انتقال یافته است. طی سال ۱۳۷۸ یعنی همان سالی که، بانک مرکزی کمترین اعتبارات را در اختیار طرح توسعه نیشکر خوزستان گذاشته است، بخش خصوصی دلال و بازاریان واردکننده

شکر، کاغذ، چوب و خوراک دام، بیشترین اعتبارات را از سیستم بانکی جمهوری اسلامی دریافت داشته‌اند.

روزنامه ابرار اقتصادی، در تاریخ ۲۸ تیرماه امسال، طی مطلبی در خصوص وضعیت طرح توسعه نیشکر، از جمله اعتراف می‌کند: «بانک مرکزی جمهوری اسلامی بودجه ارزی ۲۰۰ میلیون دلاری جهت واردات تجهیزات و ماشین‌آلات و تکنولوژی پیشرفته، طرح (توسعه نیشکر) را فراهم کرد که، در سال گذشته فقط ۶۰۰ هزار دلار آن صرف این کار شد و سازمان برنامه و بودجه اجازه استفاده از مابقی این بودجه را صادر نکرد.» روزنامه «بهار» در همین زمینه یادآور شده بود که: «علیرغم هزینه شدن میلیون‌ها دلار، پیشرفت فیزیکی طرح فقط ۲۵ درصد بوده است.»

در شهریور سال گذشته-۱۳۷۸- مجلس شورای اسلامی، هیئتی را مامور بررسی و تفحص درباره این طرح کرد. این هیئت گزارشی تهیه کرد، اما توسط دست‌های پنهان و مراکز پر نفوذ در حاکمیت، این گزارش و نتایج بررسی، هرگز اعلام نگردید. روزنامه «بهار» در تاریخ ۲۴ خرداد ماه در این باره نوشت: «سوء مدیریت در این طرح باعث ۴ برابر شدن هزینه آن شده است. پرداخت‌های بی‌رویه و خارج از ضوابط به پیمانکاران و ایجاد برخی مراکز غیر ضرور از جمله دلایل این سوء مدیریت عنوان شده است. ابراز این دیدگاه در مجلس، تصویب طرح تحقیق و تفحص از طرح توسعه نیشکر را در پی داشت، اما نتایج این طرح هرگز رسماً اعلام نشد. قرار بود در واپسین روزهای فعالیت مجلس پنجم، نتایج تحقیق و تفحص اعلام شود اما به دلایل نامعلوم این کار انجام نگرفت.»

این دلایل نامعلوم چیست؟ کدام دست‌های پنهان و پر قدرت در حاکمیت مانع از اجرای این طرح استراتژیک و بسیار حیاتی‌اند؟

این پرسش‌ها، ذهن بسیاری از نیروهای ترقی‌خواه و مدافع منافع مردم را به خود مشغول داشته است. چندی پیش، یکی از کارشناسان اقتصادی، در توضیح علت، بحران در طرح توسعه نیشکر خوزستان به صراحت یادآور شد: «دوستان داخلی کارت‌های جهانی با طرح توسعه نیشکر مخالفت می‌کنند.»

واقعیت این امر را ثابت می‌کند که، مافیای اقتصادی بازار، که در هرم حاکمیت از نفوذ فوق‌العاده برخوردار است، و نیز مدافعان ذوب در ولایت، هیئت‌های متولفه، انجمن اسلامی بازار، برخی مسئولین وزارت کشاورزی و بازرگانی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بنیادهای انگلی و ضد ملی مانند کمیته امداد خمینی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و آستان قدس رضوی و جز اینها به علت منافع طبقاتی خود، در اجرای طرح توسعه نیشکر خوزستان که یک طرح ملی است و بنیه تولیدات داخلی را تقویت می‌کند، اشکال تراشی می‌کنند. جالب اینجاست که، وزیر کشاورزی نیز معترف است که، دلالت و تجار بازار مخالفین اصلی اجرا و تکمیل طرح توسعه نیشکرند. وی در جریان بیست و یکمین سمینار سالانه قند، با توضیح در باره طرح توسعه نیشکر، از جمله یادآور شد: «به نظر من برخی از این مخالفت‌ها، توسط دلالان شرکت‌های خارجی صورت می‌گرفت، آنها نمی‌خواهند در داخل کشور شکر تولید شود و ایران شکر کمتری وارد کند.»

کارشناسان اقتصادی اعلام داشته‌اند که، محافل خاصی در کشور با بهره‌برداری از این پروژه مخالفتند. بازرگانان و واردکنندگان عمده شکر، خوراک دام و کاغذ در راس این مخالفان قرار دارند. «این محافل بازاری از قدرت سیاسی - اقتصادی بسیاری نیز برخوردار بوده و به سلیقه خود اعمال نفوذ می‌کنند.»

منافع سرمایه داری تجاری ایران، در تقابل و تضاد با رشد تولید ملی و شکوفایی اقتصادی قرار دارد. با اجرای صحیح و اصولی طرح‌های ملی، نظیر طرح توسعه نیشکر، به منافع انگلی دلالان و تجار بازار، ضربه جدی وارد می‌آید. به همین جهت شاهد بحران در این طرح و دیگر پروژه‌های ملی و حیاتی در امور صنعتی و کشاورزی هستیم.

کوتاه سخن: جناح ذوب در ولایت، که با هزار حيله و ترفند، با هر گونه تحول در ساختار اقتصادی مخالفت می‌کند و مانع اجرای طرح‌های ملی می‌گردد، هرگز نمی‌تواند، مدافع حل مسایل معیشتی مردم باشد. حل معضلات اقتصادی جامعه در درجه نخست در گرو رشد تولیدات ملی و تقویت صنایع داخلی است. و این امر تحقق نخواهد یافت مگر با طرد رژیم ولایت فقیه به عنوان عامل اساسی واپس‌ماندگی اقتصادی - اجتماعی ایران طی دو دهه اخیر!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

سیپاکی

پیام های گرم رفقای حزبی از ایران و سایر کشورهای جهان به مناسبت پنجاه و نهمین سالروز تأسیس حزب توده ایران

• هدیه بی از راه دور

دورد آتشین فراوان یک رفیق توده ای از ایران گر گرفته که پس از سال ها جدایی توانسته خود را از هزاران کیلومتر از فراز شهرها و کشورهای آسیا به آسمان اروپا و به «اینترنت» رسانده تا سلام گرم و صمیمانه را به شما رفقای رنج کشیده ادامه دهندگان راه دکتر ارانی و حزب شهیدان خلق های پیاخته تقدیم و دستهای توانمندان را برای پیروزی هر چه بیشتر بفشارد. پس از جستجوی زیاد و برقراری ارتباط و دریافت جمله غرور آفرین و شادی بخش «به صفحه حزب توده ایران خوش آمدید» همراه با درفش کاوه آهنگر و تصویر دکتر تقی ارانی و چهره پرصلابت رفیق خسرو روزه و مشت گره کرده نجیران و گل سرخ به زنجیر کشیده، من سرمست از شوق، با چشمان پر اشک و بغض در گلو، با احترامشان پیا ایستادم و صفحه خوش آمد حزیم را بوسیدم و از دریافت غیر منتظره چهار هدیه «نامه مردم» شماره ۵۸۸، ۵۸۹، اعلامیه و شرح پلنوم و ... شب و روز با ذوق و شوق و حال وصف ناپذیری خواندم و بسیار شاد شدم. شرف و افتخار بر همه شهیدان، زندانیان و مبارزان عرصه پیکار توده ای در سراسر جهان ...»

به صفحه حزب توده ایران خوش آمدید

فارسی
English
Detuch

Welcome to the Web Pages of the Tudeh Party of Iran
The Struggle Continues
Freedom for All
Political Prisoners in Iran

صفحه حزب توده ایران بر روی شبکه جهانی «اینترنت»
<http://www.tudehpartyiran.org>

ادامه استقرار «نظم نوین جهانی» در ...

وابسته و غیر قانونی دیگری را، این بار در یوگسلاوی، به مردم تحمیل کردند، و بار دیگر قدرت اسلحه و فشارهای همه جانبه امپریالیسم، خلق های دیگری را به حیطة غارت خود افزود. پس از تغییر حکومت، کسانی که طی چندین سال با تحریم های اقتصادی و سیاسی مردم یوگسلاوی را زیر شدید ترین فشارهای اجتماعی و اقتصادی قرار دادند و با بیمارانهای بی وقفه، تعداد بیشماری از مردم آن را به خاک و خون کشیدند و بخش عظیمی از کشور آنها را با خاک یکسان کردند، اعلام داشتند که «میلوسویچ» باید به عنوان «جنایتکار جنگی» محاکمه شود.

از سوی دیگر کوستانیکا در مراسمی که با حضور نمایندگان اتحادیه اروپا صورت گرفت، از این کشور ها تقاضای کمک کرد و به آنها قول همه گونه همکاری را داد. پس از این ملاقات، کشورهای اتحادیه اروپا اعلام کردند که تحریم های اقتصادی از فردای آن روز برچیده خواهد شد و وامهای لازم برای بازسازی خرابی ها در اختیار این کشور قرار خواهد گرفت. «ژاک شیراک»، رئیس جمهوری فرانسه، از کوستانیکا برای حضور در اجلاس اتحادیه اروپا که در نیس برگزار خواهد شد، دعوت کرد.

مواضع اتخاذ شده از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و بیمان تجاوزگر ناتو در حمایت از کوستانیکا و پایکوبی شادمانه آنان در رابطه با تغییرات در بلگراد، خود نشانگر ماهیت تحولات اخیر در یوگسلاوی و ضرورت افشای سیاست امپریالیسم در رابطه با آن است.

به مناسبت خجسته سالروز تأسیس حزب توده ایران پیام های زیادی از سوی رفقای حزبی و همچنین احزاب کارگری و کمونیستی به دبیرخانه حزب توده ایران رسیده است که نشانگر احترام عمیق و پایبندی شورانگیز رفقا به مبارزه مقدسی است که حزب توده ایران بررغم همه فشارها و سرکوب های خونین همچنان در میهن ما به پیش می برد. ما ضمن تشکر عمیق از همه رفقای که پیام فرستاده اند در زیر به چند نمونه آن اشاره می کنیم.

• پیام گروهی از رفقای داخل

«رفقا و همزمان توده ای!»

دهم مهرماه پنجاه و نه سال از عمر با برکت و با عزت و شرف حزب توده ای، حزب کارگران و زحمتکشان می گذرد. پنجاه و نه سال مبارزه مداوم و خستگی ناپذیر در راه رهایی مردم بویژه زحمتکشان و مبارزه برضد ارتجاع، استثمار و استعمار تنها از افتخارات سترگ و ماندگار حزب توده ایران نیست، بلکه صفحاتی درخشان از جنبش ملی و انقلابی تاریخ کشورمان است. اکنون نیز وظیفه ما توده ای هاست که با الهام از قهرمانان نام آور توده ای همانند ارانی، روزه، سیامک، حجری، مهرگان، نیک آئین، معلم و ... و خیل عظیم شهدای توده ای و با کسب تجارب از تاریخ گذشته و رهنمود ها و سیاست های حزب را به کار گیریم و با فعالیت سازمانگرا نه در میان توده ها و آگاه ساختن آنها از ترفند ها و تاکتیک های ارتجاع حکومتی و به کار بستن شیوه های اصولی مبارزه پیشاپیش جنبش مردمی گام برداریم. «... همین رفقا در جای دیگری از پیام خود در تحلیل اوضاع ایران می نویسند: «رخدادهای اخیر که متأثر از مبارزه دو نیروی عمده که در دو قطب متضاد قرار دارند، یعنی جنبش مردمی و بالنده در طیف گسترده خود از یک سو و ارتجاع حکومتی با تمامی امکانات مادی، تبلیغاتی و انتظامی از سوی دیگر، در نبردی حق جویانه اما نابرابر، بار دیگر سرنوشت کشورمان را رقم خواهد زد. رشد فراگیر جنبش مردمی و ارتقاء گسترده آگاهی مردم که دیگر حکومت استبدادی را بر نمی تابند و به دنبال تحقق آزادی و عدالت اجتماعی اند از یک سو و حاکمیت ولایت فقیه که اساساً با دموکراسی و مردم سالاری و عدالت اجتماعی ستیز دیرینه دارد، این سؤال را بیش از پیش در جامعه مطرح کرده است که آیا سایه استبداد مذهبی همچنان بر میهن مان گسترده خواهد ماند؟ و عوامل ارتجاع و استبداد با حيله و ترفند و با استفاده از امکانات وسیع خود خواهند توانست مانع از فروپاشی استبداد گردند؟» پیام در انتها یاد آور می شود که: «بطور قطع توده ای ها همانند گذشته قدرت و انرژی خود را در راه سیاست های حزب خویش و در خدمت جنبش قرار خواهند داد و تا طرد ارتجاع حاکم و برقراری حاکمیت مردمی و ملی از پای نخواهند نشست.»

• پیامی از باکو

«رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران

تبریکات صمیمانه ما را به مناسبت سالروز بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بپذیرید. رفقای عزیز: یک سال دیگر به عمر حزب افزوده شد. سالی که در طی آن، مردم کشورمان توانستند گام های بلندی در جهت گسترش و تعمیق جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه بردارند. برای ما جای بسی سرفرازی است که حزب توده ایران در پنجاه و نهمین سال حیات پر افتخارش نیز کوشید تا در حد توان و امکان علیرغم تمامی مشکلات و محدودیت ها مهر و نشان خود را بر آن بزند. بدیهی است که با گسترش هر چه بیشتر جنبش آزادی خواهانه در کشور، وظیفه حزب انقلابی و کهنسال ما بیش از پیش خطیر تر و حساس تر خواهد بود. به اعتقاد ما مصوبات پلنوم وسیع اسفند ماه ۷۸ نقطه عطف و گام مؤثری در همین راستاست.

رفقای ارجمند!

ما اعضای حزب توده ایران مقیم جمهوری آذربایجان، همانند تمام توده ای ها در داخل و خارج از کشور آغاز شصتیمین سال تولد حزبمان را گرمای می داریم و در این سالروز فرخنده، سرشار از خوش بینی به آینده قلب هایمان را با قلب تمام توده ای ها و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی پیوند زده، بر میثاق خویش با آرمان های والای حزب پای می فشریم. ضمن گرمای داشت یاد و خاطره شهدای گرانقدر حزب، بر همه رهروانش درود می فرستیم.»

همبستگی روزنامه نگاران کانادایی با روزنامه نگاران و نویسندگان اصلاح طلب در بند

سردبیر، تنها در سال گذشته نزدیک به ۲۰ روزنامه نگار و نویسنده به سبب ابراز آزادانه و صلح دوستانه نظرهای خود دستگیر شده اند، و در حالی که انواع اتهامات به آنان وارد آمده است، دادگاهی و زندانی شده اند... در سال های گذشته نیز شماری از روزنامه نگاران، نویسندگان و فعالان طرفدار دموکراسی به سبب ابراز نظرهای خود بقتل رسیده اند. انتظار ما این بود که با به قدرت رسیدن رئیس جمهوری خاتمی، او بقدر کافی قوی خواهد بود تا در مقابل نیروهای فشار در ایران که بر ضد دموکراسی فعالیت می کنند، مقاومت نماید. ما منتظر بودیم که پارلمان ایران لایحه بی را تصویب کند تا سخت گیری نسبت به مطبوعات مستقل کاهش یابد. روندی که با یک حکم رهبر روحانی، آیت الله خامنه ای، در ماه اوت (مردادماه)، متوقف شد... ما به شما به دلیل شجاعت و پافشاری بر خواسته هایتان و عدم سکوت تان احترام می گذاریم. ما با نگارش این نامه شما را تحسین می کنیم و پشتیبانی خود را از شما اعلام می کنیم... تازمانی که آزادی بیان، چنانکه در ماده ۱۹ منشور جهانی حقوق بشر آمده است تحقق یابد، پشتیبانی از شما را ادامه می دهیم...

**امضاء صدها تن از روزنامه نگاران کانادایی و طرفداران
انجمن «روزنامه نگاران کانادایی مدافع آزادی بیان»**

انجمن «روزنامه نگاران کانادایی مدافع آزادی بیان» (CJFE)، با انتشار بیانه یی که به امضای صدها روزنامه نگار و هوادار این انجمن رسیده است، همبستگی خود را با روزنامه نگاران و نویسندگان مدافع اصلاحات در ایران اعلام کرده است. در این اعلامیه، از جمله آمده است: «از جانب روزنامه نگاران کانادایی مدافع آزادی بیان، که یک سازمان غیر دولتی و برای آزادی مطبوعات و روزنامه نگاری غیر دولتی در سراسر جهان فعال است، ما امضاء کنندگان این نامه پشتیبانی خود را با همه روزنامه نگاران و نویسندگان اصلاح طلب ایرانی که به دلیل اعتقاد به آزادی بیان مبارزه سخت خود را ادامه می دهند، اعلام می کنیم. ما از جمله به همکاران شما آگاهیم. بسیاری از شما را به زندان انداخته اند و شماری از شما برای نجات جان تان در تبعید بسر می برید. نزدیک به ۲۰ روزنامه بسته و یا انتشار آنها متوقف شده است. از تجاوزات اخیر که ما به آن اعتراض شدید داریم، یکی دستگیری و محاکمه شش تن از روزنامه نگاران و اذیت دوستانی است که در ماه آوریل (فروردین ماه) به دلیل شرکت در یک کنفرانس در آلمان، و سخنرانی درباره مسایل سیاسی - اجتماعی ایران و پس از بازگشت به ایران احضار و دستگیر شدند. افرادی چون: اکبر گنجی، روزنامه نگار، مهرانگیز کار، وکیل و فعال حقوق بشر، شهلا لاهیجی، ناشر، خلیل رستم خانی، مترجم، حجت الاسلام حسن یوسفی اشکوری، روزنامه نگار و محقق و عزت الله سبحانی، نویسنده و

ادامه ضرورت تشکیل جمعیت

«خودی و غیر خودی» تمحیلی از سوی ارتجاع حاکم را باید در هم شکست و در راه دفاع از حقوق مدنی و شهروندی همه مبارزان راه آزادی کوشید.

در روزهای اخیر، همچنین اخبار نگران کننده بی پیرامون صدور احکام جابرائه، درباره برخی از زندانیان سیاسی درج پیدا کرده است. امکان صدور حکم اعدام برای مبارز و شخصیت برجسته اجتماعی، حجت الاسلام یوسفی اشکوری، پرونده سازی مجدد برای دکتر کدیور و عبدالله نوری، و تشدید فشار بر روی زندانیان دستگیر شده، از جمله، باقی و گنجی برای اعتراف به گناهان ناکرده و توبه، نشانه های بسیار نگران کننده بی است که نمی توان آنها را نادیده گرفت.

سخنان تهدید آمیز مسعود ده نمکی، یکی از سردمداران چماق داران و «انصار ولی فقیه» در گفت و گو با «ایسنا»، مبنی بر اینکه: «مدعیان دروغین آزادی بیان، امروز به گروه فشار و خشونت طلب تبدیل شده اند و به خیابان ها می ریزند. ایشان در آینده نزدیک نیز وارد فاز نظامی شده و دانشجویان سیاهی لشکر را قربانی خواهند کرد اما نباید گذاشت هدایت کنندگان دوم خردادی در حاشیه امنیت قرار گیرند. بنابراین اوین و سینه دیوار منتظر حضرات است.»

«اوین» و «سینه دیوار» اسم رمز همان یورش وسیعی است که ارتجاع هفته هاست بر ضد جنبش سازمان دهی کرده است، و در روزهای اخیر در صورت تأیید شدن استعفای مهاجرانی، تا سطح پاکسازی دولت خاتمی با موفقیت پیش رفته است. «سینه دیوار» گذاشتن مدافعان آزادی همان شیوه بی است که رژیم جنایتکار در بیست سال گذشته به کرات آزمایش کرده است و در آخرین نمونه آن، در تابستان سال ۱۳۶۷، بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی را در ظرف چندین هفته، به وحشیانه ترین شکل ممکن، قتل عام کرد.

نباید اجازه داد تا رژیم بار دیگر این جنایات را تکرار کند. حرکت وسیع و مشترک نیروهای مدافع اصلاحات در درون کشور، همراه با تشدید همبستگی بین المللی با زندانیان دربند، نخستین گام در این عرصه است. توده ای ها در این زمینه با همه امکانات و توان خود آماده همکاری با دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه هستند.

ادامه تحقق يك آرزو ...

بازار ایران را مناسب تشخیص داده است.

مسئله به همین جا خاتمه نمی یابد، به برکت سیاست خصوصی سازی جمهوری اسلامی، شرکت هواپیمایی انگلستان - بریتیش ایرویز - به زودی به مهم ترین شرکت حمل و نقل هوایی در ایران بدل خواهد شد. این شرکت، علاوه بر پروازهای خارجی، از این پس در خطوط داخلی نیز به فعالیت مشغول خواهد شد، و مسافران را به تهران، شیراز، تبریز و غیره خواهد برد. در این خصوص، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ایران اعلام داشت: «ما بحث آزاد کردن رقابت در خطوط داخلی کشور را مطرح کردیم. بدین منظور که هواپیماهای مختلف کشورهای گوناگون بتوانند در تمام خطوط داخلی پرواز داشته باشند یعنی بتوانند به شیراز و اصفهان و شهرهای دیگر مسافر ببرند و آنها را جابجا کنند. هدف اصلی از اجرای این طرح این است که، هم مسافر امنیت داشته باشد [!!!] (رئیس سازمان هواپیمایی یک کشور تاکید می کند، تأمین امنیت مسافران با خطوط خارجی تأمین می شود، واقعا چه رقابت عادلانه ای میان هواپیمایی داخلی با خارجیان) و هم «هما» و شرکت های داخلی برای اینکه بازار را از دست ندهند، بتوانند خود را تجهیز و به روز (معنای به روز معلوم نیست) کنند» (اطلاعات بین المللی، چهارشنبه اول تیر ماه ۱۳۷۹).

در میان هیئت ۳۵ نفره تجاری - اقتصادی که همراه آقای جان هیل این دیپلمات کهنه کار دیروزی و تاجر «خوش آشتهای» امروزی به تهران سفر می کنند، مقامات بلند پایه بریتیش ایرویز نیز حضور دارند.

به این ترتیب حق با جان هیل است که ورود به بازار ایران و احراز مکان نخست در آن برای لندن یک آرزوی بزرگ بوده و هست که با تلاش «صادقانه» رژیم ولایت فقیه تحقق یابد. تنها مانع بر سر راه انگلستان، آمریکا است که از هم اکنون برای پرش به بازار ایران، دور خیز کرده است.

«نامه مردم» در جشن

سالانه روزنامه «اومانیته»

جشن روزنامه «اومانیته»، امسال نیز مانند سال های گذشته، در پارک کورنو، در حوالی پاریس، در روزهای ۱۶، ۱۵، ۱۷ و سپتامبر (۲۵، ۲۶، ۲۷ شهریور)، در فضایی گرم و شورانگیز، برگزار شد. سازمان های حزب کمونیست فرانسه، از شهرها و نواحی مختلف و همچنین احزاب کارگری، کمونیستی، سوسیالیستی و جنبش های مترقی از ۶۰ کشور جهان در این جشن شرکت کردند. دهکده بین المللی، محل حضور احزاب کارگری و کمونیستی از سراسر جهان بود و غرفه «نامه مردم» نیز در همین دهکده قرار داشت.

غرفه «نامه مردم»، امسال، همچون سال های گذشته، با استقبال گرم شرکت کنندگان روبه رو شد و مورد بازدید شمار کثیری از هموطنان و دیگر شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. غرفه حزب با تمثیل های رفقای شهید حزب، بوسترها، اعلامیه های حزب به زبان های فارسی، فرانسوی و انگلیسی و کتاب ها و نشریات گوناگون حزبی تزئین شده بود و غرفه حزب محلی بود برای بحث و تبادل نظر پیرامون آخرین تحولات مهم میهن ما. نمایندگان کمیته مرکزی حزب ما در جشن اومانیته، با شمار قابل ملاحظه بی از نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی و سایر احزاب و سازمان های مترقی دیدار و تبادل نظر کردند و رفقای احزاب برادر را در جریان آخرین تحولات ایران و مواضع حزب قرار دادند.

ادامه فلسطین در آتش و خون ...

ها توسط ارتش اسرائیل، به دلیل مواضع انعطاف ناپذیر دولت اسرائیل به شکست انجامیده است. اجلاس پاریس که در روز ۱۴ مهرماه با حضور یاسر عرفات، باراک، کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، مادالین آلبرایت، وزیر خارجه ایالات متحده و ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه و رهبر نوبتی اتحادیه اروپا منعقد شد، بدون هیچ نتیجه ملموسی پایان یافت.

باراک نخست وزیر اسرائیل با مقصر قلمداد کردن فلسطین، یاسر عرفات را تهدید کرد که اگر به «خسوت» ها پایان ندهد، او روند صلح را پایان یافته خواهد دانست و برای ایجاد «آرامش» در منطقه از ارتش اسرائیل استفاده خواهد کرد. خسوتی که باراک از آن سخن می گوید، در حقیقت حمله نظامیان تا بن دندان مسلح اسرائیلی به مردم به جان آمده فلسطین است که در اعتراض به تحریکات مقامات صهیونیستی، در خیابان ها تظاهرات می کنند.

در همین رابطه، سازمان ملل طی قطعنامه بی، استفاده از نیروهای مسلح بر ضد فلسطین را محکوم کرد. ایالات متحده از رای دادن به این قطعنامه امتناع ورزید اما از حق وتوی خود نیز استفاده نکرد. رهبران دولت خودمختار فلسطین خواستار تشکیل یک هیئت تحقیق بین المللی به منظور شناسایی عوامل اصلی شروع موج خسوت های گسترش یابنده و کشتار مردم بی گناه توسط ارتش اسرائیل شده اند. اسرائیل مدعی شده است که، طرف فلسطینی در صدد «بین المللی کردن» مسأله است و دیگر اینکه این کشور فقط یک هیئت تحقیق آمریکایی را خواهد پذیرفت. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، در کوششی برای نجات روند مذاکرات صلح و جلوگیری از گسترش درگیری ها به

کشورهای مجاور، در روز ۲۱ مهرماه، به لبنان مسافرت کرد. او در ادامه، برای دیدار و مذاکره با رهبران فلسطینی و اسرائیلی به این کشورها مسافرت کرد.

«اهود باراک» در مدت زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، دوبار تهدید کرد که، روند صلح را روندی مرده تلقی خواهد کرد و به مذاکرات صلح ادامه نخواهد داد. نخست وزیر اسرائیل، با اعلام یک اولتیماتوم، یاسر عرفات را تهدید کرد که اگر او نتواند مانع ادامه اعتراضات در کرانه غربی و نوار غزه بشود، روند مذاکرات در مورد صلح کاملاً متوقف خواهد شد. اما بر رغم این تهدید بر موج اعتراضات افزوده شد و سطح درگیری ها گسترش یافت.

رهبر حزب الله لبنان، شیخ حسن نصرالله، گفت که، اگر اسرائیل بخواهد به لبنان حمله کند، حزب الله بطور قاطع در برابر آنها ایستادگی خواهد کرد و اعلام کرد که او حاضر است سربازهای دستگیر شده اسرائیلی را با زندانیان عرب در زندانهای اسرائیل مبادله کند. جمهوری اسلامی ایران نیز، از طریق سازمان ملل به طور ضمنی به اسرائیل اخطار کرد تا زندانی های لبنانی را آزاد کند. کمال خرازی، وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی تلویحاً اسرائیل را تهدید کرد که هرگونه تجاوزی به خاک لبنان عواقب سختی را به دنبال خواهد داشت. در اعتراض به حملات اسرائیل، تظاهراتی در گوشه و کنار جهان صورت گرفت که در آنها سیاست های اسرائیل در قبال فلسطین و حملات نظامی آن محکوم شد.

اما آنچه که حائز اهمیت است موضع گیری انفعالی کشورهای اتحادیه اروپا در قبال حملات اسرائیل به فلسطین بود. این کشورها بر رغم امضاء قطعنامه سازمان ملل در تقبیح استفاده از نیروهای مسلح بر ضد مردم

ادامه جنبش اصلاح طلبی و انتخابات ...

ببست و دو ساله یک ملت را التیام بخشد. امروز تکیه بر روی روش ها، برنامه های سازمانی، حزبی و گروهی هیچ گونه کمکی برای تحقق این امر نمی کند.

اگر نیروهای مترقی هدف خود را آماج و خواست های توده های رنج و زحمت قرار دهند، راه برای پیشرفت این جنبش به آسانی هموار خواهد شد. تکیه بر روی نیروی میلیونی مردم و سازمان دهی منسجم آنها، یگانه راه پیروزی و غلبه بر دیو استبداد است. حوادث هفته گذشته در کل، دورنمای خوشایندی درباره آینده پیش روی ما نمی گذارد، هر گونه تعلل و بی مسئولیتی در قبال این تحولات از طرف نیروهای مترقی مسئولیت سنگینی را بر دوش همگان قرار خواهد داد. به این ضرورت باید امروز پاسخ عملی داد.

«تسامح» و «تساهل» و هجوم

فرهنگی

روزنامه آفتاب یزد، پنجشنبه ۲۱ مهرماه از قول دکتر عبدالرضا باقری رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، دعوت از سروش، کدیور، آغاچری و پیمان برای شرکت در همایش بازشناسی اندیشه های دکتر شریعتی را رد کرد. طبق همین خبر هاشم آغاچری به دلیل آگاهی از جو

فلسطین، حاضر نشدند حرکت های نظامی اسرائیل را محکوم کنند. «رایین کوک» وزیر خارجه انگلستان در این باره گفت: «الان زمان محکوم کردن نیست. الان زمان آن نیست که مسبب وقایع ۴ یا ۵ روز اخیر را پیدا کنیم و تقصیر را به گردن کسی بیندازیم.» جالب است به یاد بیاوریم که در جریان بحران «کوسوو» در بهمن ۷۷، همین آقای کوک با متهم کردن دولت مرکزی یوگسلاوی به «پاکسازی قومی» و کشتار جمعی در این ایالت (که اکنون مشخص شده است چیزی جز یک ترند تبلیغاتی نبود)، و اینکه اتحادیه اروپا باید برای «ملاحظات انسان دوستانه» و در دفاع از اقلیت آلبانی الاصل که گویا تحت ستم واقع شده بود، عمل قاطع کند، به طراحان حمله جنایتکارانه پیمان ناتو به خاک یوگسلاوی پیوست.

روند تحولات در اسرائیل، و جابجایی دولت و عدم توافق بر سر مسایل طرح شده میان دو کشور فلسطین و اسرائیل، این فرصت را به محافل ارتجاعی داده است تا بتوانند با تحریکات مستمر دوباره در راه روند حتی صلح ناقص سد ایجاد کنند. حزب توده ایران نگرانی عمیق خود را از شعله ور شدن آتش جنگی جدید در فلسطین و احتمال گسترش آن به کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه اعلام می کند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن قاطعانه جنایات ارتش اسرائیل در فلسطین از خواست نیروهای فلسطینی برای تشکیل یک کمیسیون بین المللی برای رسیدگی به این کشتارها حمایت می کند. ما همچنین حمایت خود را از خواست برحق مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی اعلام می کنیم.

موجود در مشهد و اعتراضات صورت گرفته، با هدف جلوگیری از وقوع مشکلات جانبی در این همایش شرکت نمی کند. انصار حزب الله با انتشار بیانیه ای در مورد این همایش و کسانی که قصد شرکت در آن را دارند، آورده است که آنها اهل تسامح و تساهل نمی باشند و سکوت در برابر هجوم فرهنگی را نمی پذیرند و در برابر افراد معلوم الحال و پرچم داران مخالف با اندیشه های اسلامی تا پای جان می ایستند.

همزمان با چنین اقداماتی محاکمه یوسفی اشکوری در دادگاه تفتیش عقاید ویژه روحانیت به طور غیر علنی برگزار گردید. با اینکه آقای یوسفی اشکوری از بیماری شدید قند رنج می برد و بنا بر گزارشات متعدد در وضعیت جسمانی مناسبی به سر نمی برد، معهدا سرکوب گران بدون توجه به این موارد و همچنین اعتراضات داخلی و بین المللی اقدام به محاکمه او کرده اند.

روزنامه حیات نو، شنبه ۲۳ مهرماه از قول فرزند یوسفی اشکوری نوشت: «حدود نه جلد پرونده برای یوسفی اشکوری در دادگاه ویژه روحانیت تشکیل شده است، اغلب اتهامات مطرح شده در این پرونده مسائل اعتقادی می باشد. این دادگاه فقط به کنفرانس برلین محدود نمی شود، بلکه تحقیقات و بازجویی ها به نوشته ها و سخنرانی های اشکوری مربوط می شود.»

مهدی طباطبایی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت خبر دستگیری اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه لرستان را داد. وی در این باره گفت: «متأسفانه ۴ روز پیش آقایان دهقان نژاد، نجفی و محمدی از مقابل دانشگاه ناپدید شدند و پس از پیگیری هم هیچ مرجعی دلیل خاصی را برای بازداشت آنان عنوان نکرد. ظاهراً آنها را به اتهام شرکت در قضایای لرستان دستگیر کردند» (ایسنا شنبه ۲۳ مهر ماه).

استقرار «نظم نوین جهانی» در یوگسلاوی!

مرز یوگسلاوی پرداختند.

پس از پایان انتخابات، و قبل از پایان شمارش آراء، نیروهای اپوزیسیون و کشورهای غربی اعلام کردند که «کوستانیکا» در انتخابات پیروز شده است، در حالی که کمیسیون انتخابات (که ناظران خارجی نیز در آن حضور داشتند و درستی انتخابات را تایید کرده بودند) اعلام کردند که آرای هیچکدام از کاندیداها به حد نصاب ۵۰ درصد نرسیده است و انتخابات به دور دوم کشیده می شود. پس از این واقعه وزیر خارجه ترکیه که در بلغارستان حضور داشت، در دفاع از کوستانیا، در مصاحبه بی اعلام کرد که «اگر میلو سوویچ سبب بحران در یوگسلاوی شود، ناتو مجبور به ورود در خاک یوگسلاوی خواهد شد، همانگونه که وارد «کوسوو» و «بوسنی» شد. تونی بلیر، نخست وزیر انگلستان، که در سرسبردگیش به ایالات متحده هیچ شکی وجود ندارد، خواستار استعفا میلو سوویچ شد. «رابین کوک»، وزیر خارجه دولت تونی بلیر، نیز با دادن پیام در مورد پذیرش صربستان به اتحادیه اروپا گفت: «هر چه «میلو سوویچ» زودتر از قدرت کناره گیری کند، ما می توانیم زودتر وعده شروع آتش را با بازسازی ساختمان ها و پل ها، طبق اروپای جدید و مدرن، به مردم صربستان بدهیم» گروه های حمایتی شده از سوی غرب، پس از اعلام نتایج انتخابات، دور دوم را تحریم کردند و با اعلام اعتصاب عمومی به خیابانها ریخته و پارلمان کشور را به آتش کشیدند.

وزیر خارجه یوگسلاوی، «زیوآدین یوانویک»، کشورهای غربی را متهم کرد که، از طریق رسانه های گروهی و بولهای فراوانی که خرج کردند، بر ضد ثبات ملی یوگسلاوی و دولت قانونی آن اقدام کرده اند. او گفت: «ما در مورد رسانه های گروهی و فشار های سیاسی صحبت می کنیم، فشارهایی که از طریق بولهای کلان صورت می گیرد». بنا به نوشته مجله «وال استریت»، کوستونیکا قریب ۷۱ میلیون دلار کمک مالی از طرف آمریکا برای برنامه تبلیغاتی انتخابات خود دریافت کرده بود. همچنین رسانه های گروهی غرب اعلام کردند که «پوتین، رئیس جمهور روسیه، نیز پس از مذاکرات خود با گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، در مسکو موافقت خود را بر کناری میلو سوویچ اعلام کرده است. «یوشکا فیشر، وزیر خارجه آلمان، در مصاحبه با «اشپیگل» گفت: «حوادث می توانست پایان خونینی را به همراه داشته باشد... این وظیفه تاریخی آلمان بود تا به یوگسلاوی کمک کند.»

اشپیگل همچنین نوشته است که از طریق دفتری در بوداپست، بیش از ۳۰ میلیون دلار در اختیار نیروهای اپوزیسیون و شهر های تحت نفوذ آنها قرار گرفته است که کشور های عضو ناتو نیز ۲۰ میلیون دلار دیگر در همین رابطه در اختیار اپوزیسیون قرار دادند. این مطلب از سوی یکی از سخنگویان وزارت خارجه آلمان تایید شده است. او همچنین اضافه کرد که بیش از ۲ میلیون دلار نیز به عنوان کمک به مطبوعات در اختیار «یوگسلاوی» قرار گرفته است.

همچنین، بنا به نوشته «وال استریت ژورنال» ایالات متحده بیش از ۷۱ میلیون دلار در اختیار نیروهای اپوزیسیون قرار داده است.

پس از حوادث اخیر و به آتش کشیدن مجلس کشور، «کوستانیکا»، بدون انجام شدن مرحله دوم انتخابات، رئیس جمهوری جدید کشور اعلام شد، امری که با زیر پا گذاشتن بدیهی ترین اصول دیپلوماتیک و انسانی که تحت فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی کشورهای غربی و سرمایه جهانی به مردم یوگسلاوی تحمیل شد. مدعیان دروغین دموکراسی در غرب، بدون در نظر گرفتن آراء مردم حکومت

آنچه در جریان انتخابات ریاست جمهوری در یوگسلاوی بوقوع پیوست، دخالت مستقیم کشورهای امپریالیستی در آن شیوه بی که تهاجم بی امان تبلیغاتی بنگاه های خبری امپریالیسم افکار عمومی این کشور را تحت تاثیر قرار داد را باید اوج تازه ای از تبعات تسلط «نظم نوین جهانی» دانست.

نیرو های اپوزیسیون با اطمینان از حمایت یک پارچه کشورهای سرمایه داری و پیمان تجاوزگر ناتو از اهداف خود، با عدم قبول نتیجه انتخابات قانونی و آزاد ریاست جمهوری در یوگسلاوی، پس از اعلام اینکه در انتخابات پیروز شده اند، و به آتش کشیدن پارلمان، با نقض تمامی توافق نامه های دموکراتیک و معمول دولت قانونی این کشور را ساقط کردند.

آنچه در یوگسلاوی به وقوع پیوست، دقیقاً و در ریز ترین جزئیات، از قبل طراحی شده بود و پیروزی و یا شکست در انتخابات و نظر مردم تاثیری در اجرای طرح ناتو برای بر کناری «اسلوبودان میلو سوویچ» و سرنگون کردن حکومت حزب سوسیالیست یوگسلاوی نداشت. مجله «اکونومیست» یک هفته قبل از برگزاری دور اول انتخابات، با جزئیات کامل هم نتایج انتخابات و هم موضع نیرو های اپوزیسیون در قبال آن را پیش بینی، با در حقیقت طراحی و مطرح کرد. «اکونومیست» مورخه ۲۳ سپتامبر، در مقاله بی از اینکه «دور دوم انتخابات برگزار نخواهد شد»، و «کوستانیکا... مدعی پیروزی خواهد شد» و اینکه «نتیجه نهایی ممکن است در تظاهرات خیابانی تعیین شود» سخن گفته بود. در همین مقاله «اکونومیست» پیش بینی کرده بود که، در صورت تظاهرات مخالفان، نیروهای امنیتی و نظامی به میلو سوویچ وفادار نخواهند ماند. تحولات یوگسلاوی دقیقاً طبق نسخه تجویز شده «اکونومیست» پیش رفت. در ماه های پیش از انتخابات ریاست جمهوری، ناتو و کشورهای غربی، با پشتیبانی مالی از اپوزیسیون، تهدیدهای نظامی و افزایش تحریم های اقتصادی، تلاش کردند تا نتایج انتخابات را تحت تاثیر قرار دهند. در این انتخابات «ویسلاو کوستا نیکا» به عنوان کاندیدای اپوزیسیون شرکت کرد: طرحی که دقیقاً مطالعه شده و به طور کامل مورد پشتیبانی ناتو و کشورهای غربی بود. امپریالیسم جهانی که در به زانو در آوردن دولت یوگسلاوی از طریق نظامی و قهر آمیز، در طول سه درگیری خونین در بالکان شکست خورده بود، در این مرحله با حمایت از «کوستانیکا»، به عنوان کاندیدای مرحله گذار یوگسلاوی به کشورهای سر بفرمان که نقشش بی شباهت به نقش یلتسین در روسیه نیست، و با کمک امپریالیسم خبری موفق به استقرار «نظم نوین جهانی» در بالکان شد. تبلیغ وسیع جنبه هایی از خصوصیات «کوستانیکا» به عنوان یک ناسیو نالیست سر سخت صرب که حملات هوایی ناتو به یوگسلاوی در جریان بحران کوسوو را محکوم کرده بود و در دوره قبل از انتخابات قانونیت دادگاه جنایات جنگی در هیگ را مورد سؤال قرار داده و اعلام کرده بود که از تحویل «اسلوبودان میلو سوویچ» به آن سرباز خواهد زد، عملاً با هدف ایجاد توهم و سردرگمی در افکار عمومی که حمایت از «میلو سوویچ» را تنها انتخاب ممکن در دفاع از منافع ملی یوگسلاوی می دانستند، تنظیم شده بود.

کوستانیکا با فاصله گیری از دیگر رهبران اپوزیسیون، که آشکارا از ایالات متحده طرفداری می کردند و در افکار عمومی به عنوان عوامل دست آموز «مادالین آلبرایت»، وزیر خارجه ایالات متحده، طراح حملات کشور های عضو ناتو شناخته شده و منفور بودند، سعی در نمایش چهره بی ملی از خود کرد.

به این همه باید این تهدید جدی کشورهای غربی را افزود که اعلام کرده بودند مادامی که «میلو سوویچ» در قدرت است سیاست تحریم اقتصادی همه جانبه یوگسلاوی ادامه خواهد یافت و هیچ گونه کمک مالی و یا اعتباری برای بازسازی این کشور

نخواهد شد. این مشابه همان سیاستی است که سال ها قبل از این امپریالیسم با موفقیت در قبال جنبش ساندنستی در نیکاراگوئه بکار گرفته بود. رهبران دولت های غربی و گروه های اپوزیسیون از قبل اعلام کرده بودند که، نتیجه انتخاباتی را که در آن «میلو سوویچ» پیروز شود، قبول نخواهند کرد و تنها نتیجه قابل قبول بر کناری «میلو سوویچ» از قدرت است و در واقع طرح این نظر که آراء واقعی مردم اهمیتی نخواهد داشت. در مسیر ساقط کردن دولت قانونی یوگسلاوی اقدام های فراوانی در جهت تغییر آراء به سود «کوستانیکا» و بر ضد «میلو سوویچ» صورت گرفت. «رابین کوک» وزیر امور خارجه انگلستان، در جریان انتخابات به تهدید نظامی یوگسلاوی پرداخت. فرانسه، که در حال حاضر ریاست اتحادیه اروپا را به عهده دارد، اعلام کرد که، پیروزی اپوزیسیون درها را برای پایان بخشیدن به تحریم های اقتصادی باز خواهد کرد. همزمان نیز نیروهای نظامی آمریکا و «کرواسی» به مانورهای نظامی در

ادامه در صفحه ۷

کمک مالی رسیده

از ایران ۱۰۰ مارک

از ایران حسنی

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:594

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15 October 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

سعید اسلمی را در زندان کشتند

در روزهای اخیر، بازم «حرف های جدیدی» درباره قتل های زنجیره ای و چگونگی عملکرد جنایتکارانه دستگاه های امنیتی رژیم، از سوی برخی از عوامل همین دستگاه ها مطرح شد که جالب و خواندنی است. روح الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و یکی از منفورترین چهره های ارتجاع و مدافع جنایات رژیم، طی سخنانی مدعی شد که رژیم خود سعید اسلمی را در زندان کشته است. وی از جمله گفت: «من گواهی فوت ایشان را دارم و پزشک قانونی هیچ گزارشی راجع به مرگ ایشان ننوشتند و نوشتند علت مرگ نامعلوم است.» وی همچنین اضافه کرد که: «داروی نظافت را به زور به ایشان می دهند و در نوار مشخص شده است که وادار کردند به زور بخورد اما به احتمال زیاد ایشان را در زندان با آمیول هوا کشتند...» (به نقل از ایرنا، دوم آبان ۱۳۷۹).

البته حسینیان روشن نمی کند که دلیل کشتن سعید

ادامه در صفحه بعد

نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت □

فریدون مشیری، شاعر شهیر ایران درگذشت

فریدون مشیری، شاعر برجسته میهن ما، بامداد سه شنبه، سوم آبان ماه، در بیمارستان «تهران کلینیک» بدرود حیات گفت. مشیری متولد ۱۳۰۵ بود و از جوانی تا آخرین سال های عمر پر بارش در راه اعتلای فرهنگ و هنر میهن ما کوشید. از او چندین مجموعه شعر، از جمله: «تشنه طوفان» (۱۳۳۴)، «گناه دریا» (۱۳۳۵)، «نایافتنه» (۱۳۳۶)، «ابر» (۱۳۴۰)، «ابر و کوسچه» (۱۳۴۶)، «بهار را باور کن» (۱۳۴۷)، مجموعه «پرواز یا خورشید» (۱۳۴۸) به جای مانده است. «نامه مردم» درگذشت مشیری را به خانواده و دوستان و همه ادب دوستان میهن ما تسلیت می گوید.

ضمیمه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۹۴، دوره هشتم
سال هفدهم، ۳ آبان ۱۳۷۹

پیروزی بزرگ نفتگران قهرمان خوزستان درسی گرانها برای جنبش مردمی

روشن کردن دکل های حفاری خودداری کردند. یکی از کارکنان اعتصابی در گفتگو با ایسنا گفت که، در صورت انحلال شرکت ملی حفاری هویت ملی به خطر می افتد، چون امروز نوبت این شرکت است و فردا نوبت دیگر شرکت های ملی است. به گفته این کارمند اعتصابی بعد از انحلال این شرکت ملی، بتدریج کارکنان شرکت اخراج و افراد خارجی جایگزین خواهند شد. وی در ادامه گفت که، این تحصن تا تحقق خواست های آنان ادامه پیدا خواهد کرد. یکی دیگر از کارکنان اعتصابی مخالفت با این واگذاری را به دلیل اینکه امنیت شغلی را از بین می برد عنوان کرد. بنا بر گفته او ۳۵ هزار نفر از صنعت نفت ارتباطی می کنند و در این زمینه به راحتی نمی شود تصمیم گرفت. وی در جایی دیگر اضافه کرد که، در گذشته این صنعت در دست بیگانگان بود و آنها با داشتن اطلاعات، نسبت به چگونگی سرمایه گذاری در مخازن نفتی ایران اقدام می کردند، ولی در حال حاضر شرکت ملی حفاری در دنیا تنها شرکتی است که به طور مستقل کلیه خدمات نفتی و فعالیت حفاری را انجام می دهد. وی با اشاره به سیاست های خصوصی سازی گفت که، چون این شرکت، شرکتی سود ده است، کسانی در صددند به بهانه خصوصی سازی این صنعت مهم را از آن خود کنند. به گزارش ایسنا محمد کیانوش، نماینده دیگر اهواز، در مجلس در رابطه با این اعتصاب گسترده گفت: «بحث تحصن از دو هفته پیش به نشانه اعتراض به واگذاری شرکت ملی حفاری ایران به صندوق بازتشیکی نفت مطرح بود، ولی از گوشه و کنار به مسئولان و کارکنان شرکت اعلام شده بود در شرایط فعلی اعتراض صلاح نیست، اما بعد از اینکه کارکنان این شرکت احساس کردند پیگیری های مسئولان به نتیجه ای نرسیده، سعی در سازمان دهی یک تحصن آرام کردند.» (ایسنا ۲۷ مهرماه).

روزنامه آفتاب یزد، پنجشنبه ۲۸ مهرماه، نوشت که، اعتصاب کنندگان معتقدند در صورت واگذاری شرکت ملی حفاری ۶ هزار نفر از کارکنان این شرکت آواره و از کار بیکار می شوند. بنا بر همین گزارش با وجود دیدار و گفت و گوهای چند تن از معاونین وزیر نفت با اعتصابیون، آنها همچنان به اعتصاب خود ادامه می دهند. یکی از مسئولان شرکت ملی حفاری نفت ایران در یک گفت و گو با ایسنا، جمعه ۲۹ مهرماه، از اقدامات پشت پرده ای خبر داد که هدف از این اقدام ضد ملی، دقیقاً در جهت سیاست های شرکت نفتی خارجی است. وی گفت: «بدون تردید پشت این قضیه دست هایی است که متعلق به جمهوری اسلامی نیستند و از جای دیگر هدایت می شوند. شنیده ایم شرکت هایی نظیر توتال و شل ورود خود به ایران را مشروط به انحلال شرکت ملی حفاری نفت کرده اند.» ایسنا در همین روز با ارسال خبری نوشت که، تحصن کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران تا لحظه

ادامه در صفحه بعد

اعتصاب یکپارچه، متحد و سازمان یافته کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، ایران، در اعتراض به واگذاری این شرکت به انحصارات فراملی و سرمایه داران خارجی، با مقاومت قهرمانانه کارگران اعتصابی با پیروزی درخشان زحمتکشان صنعت نفت ایران پایان پذیرفت.

به گزارش ایسنا، ۸۰۰ نفر از کارکنان شرکت ملی حفاری ایران روز یکشنبه ۲۴ مهرماه در اعتراض به اقدام یک طرفه مسئولان وزارت نفت در فروش صد در صدی سهام این شرکت، دست به تحصن زدند. بنا بر همین گزارش این عکس العمل به دنبال نامه بیژن زنگنه، وزیر نفت، در پنجم مهرماه سال جاری به رئیس صندوق بازتشیکی صنعت نفت مبنی بر فروش صد در صد سهام شرکت ملی حفاری ایران صورت گرفت که، موجب ناراضی پرسیل وزارت نفت مناطق نفت خیز جنوب به ویژه کارکنان شرکت ملی حفاری را فراهم کرده است. قبل از آن در روز ۲۳ مهرماه، ۳۰۰ نفر از کارکنان در نمازخانه شرکت ملی حفاری تحصن کرده بودند. با اینکه این اعتصاب در نشریات محلی بازتاب وسیعی داشت، اما روابط عمومی شرکت ملی حفاری نفت اهواز آن را تکذیب کرد. جاسم شدید زاده، نماینده اهواز در مجلس در این ارتباط با خبرگزاری ایسنا گفت: «قضیه اعتراض کارکنان شرکت ملی حفاری نفت اهواز نسبت به واگذاری این شرکت به صندوق بازتشیکی ریشه در سیاست وزارت نفت دارد.» وی در ادامه اضافه کرد: «قبلاً وزارت نفت طی تصمیمی عجولانه مناطق نفت خیز جنوب را که یک سیستم به هم پیوسته بود تقسیم به ۵ شرکت کرد که این امر موجب ایجاد اضطراب در بین کارکنان مناطق نفت خیز جنوب شد و جو روانی بسیار بدی را در بین آنان به وجود آورد.» این واگذاری به بهانه بدهی های این شرکت به صندوق بازتشیکی عنوان گردیده است. کارکنان این شرکت نگران آن هستند که پس از واگذاری، آنها نیز به سرنوشت کارکنان لوله سازی اهواز دچار شوند. شدید زاده نماینده اهواز در پی گسترش این اعتصاب اعتراضی گفت: «طی تماسی که با بعضی از دوستان داشته ام از آنان درخواست کرده ام، فعلاً از راه های مسالمت آمیز و ارتباطاتی که با وزارت نفت و نهادهای اقتصادی و ریاست جمهوری دارد، این صدا را به آنها برسانند و قضیه طوری نشود که به بحث اصلاحات در مجلس ششم ضربه بزند و مشکلی برای دولت و جریان اصلاحات ایجاد شود.» نماینده اهواز مشخص نکرد مبارزه برای احقاق حقوق و تامین امنیت شغلی مشکلی را برای برنامه اصلاحات در بر دارد و یا مخالفت در برابر سیاست های خانمان برانداز خصوصی سازی؟

ایسنا، چهارشنبه ۲۷ مهرماه گزارش داد که در این روز نیز حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان این شرکت با تحصن در مقابل شرکت ملی حفاری نفت، ضمن اعلام مخالفت خود، این واگذاری را عامل از دست دادن هویت ملی و توهن بیگانگان در این بخش بیان کردند. در پی این اعتصاب گسترده وزیر نفت، کارکنان اعتراضی را به برخورد جدی تهدید کرد اما با وجود همه تهدیدها این اعتصاب ادامه پیدا کرده و کارگران از

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

اسلامی از سوی مقامات امنیتی چه می تواند باشد. برای مردم ما از همان آغاز روشن بود که این قتل های نفرت انگیز در بالاترین مراجع تصمیم گیری رژیم «ولایت فقیه» مورد تأیید قرار گرفته بودند و سپس توسط جنایتکاران وزارت اطلاعات به مرحله اجرا گذاشته شدند. از همان روز بر ملا شدن این جنایات نیز روشن بود که دستگاه های امنیتی رژیم که زیر نظر مستقیم «ولی فقیه» عمل می کنند، همه تلاش های خود را به کار خواهند انداخت که رد پای خونین این جنایات به بیت «ولی فقیه» و شرکایی همچون جنتی، مصباح و یزدی و دیگران را پاکسازی کنند. درست به همین خاطر است که پس از گذشت دو سال این پرونده همچنان در هاله ای از ابهام است و اسکل متهمان دستگیر شده نیز آزاد شده اند. و خلاصه اینکه مردم ما دروغ های سران رژیم و نهادهایی همچون «سازمان قضایی نیروهای مسلح» را که مسئول پیگیری این پرونده هاست یاور ندارند. مردم حکم خود را درباره محکومیت جنایتکاران اصلی، این جنایات مدت ها است صادر کرده اند.

محکومانی که گم شدند!

هنوز چند ماهی از ماجرای ترور سعید حجاریان، مشاور رئیس جمهوری، و ماجرای محاکمات فرمایشی و «محکومیت» متهمان به این ترور، که از مسئولان سپاه پاسداران در شهری بودند، نمی گذرد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در دیدار از زندان شیراز کشف کردند، که برخی از ضاربان که قرار بود محکومیت خود را در این زندان سپری کنند، در این زندان نیستند و اصولاً روشن نیست که کجا هستند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، دوشنبه ۲۲ آبان ماه (۱۳۷۹)، رئیس دادگستری تهران، علیزاده، در پاسخ به سؤال خبرنگاران که «ضاربان حجاریان چرا در زندان شیراز نیستند»، از جمله گفت که: «حکم وقتی قابلیت اجرا دارد که قطعی شود...» وی در ادامه همین سخنان در پاسخ به سؤال «ضاربان در کجا بازداشت موقت هستند؟» از جمله گفت: «به کسی ارتباط ندارد که کجا هستند. هر کجا که هستند.» این برخورد رئیس دادگستری تهران درباره مشت تروریست مزبور را باید با برخورد همین مقامات قضایی با دانشجویان دربند مقایسه کرد که از همان روز دستگیری بدون آنکه جرم آنها حتی مشخص و یا اثبات شده باشد به شکنجه گاه های مخوفی همچون اوین برده شدند و زیر انواع و اقسام فشارهای روحی و جسمی قرار گرفتند و هنوز نیز بدون آنکه کسی گوش شنوایی درباره اعتراضات آنها داشته باشد در همان شرایط غیر انسانی باقی مانده اند. به این می گویند قضا و قضاوت در رژیم «ولایت فقیه». تأمین جانی و مالی برای جنایتکاران و تروریست های وابسته به نهادهای زیر نظر «ولی فقیه» و بی امنیتی و بی حقوقی کامل برای مردم.

ادامه پیروزی بزرگ فتنگران تهران خوزستانی

ارسال خبر (ظهر روز پنجشنبه) همچنان ادامه داشته است. این تحصن به یکسری از دکل های عملیاتی نیز سرایت کرده است. معترضین سه بار اقدام به بستن اتوبان اصلی اهواز به مسجد سلیمان کردند. کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران با متوقف کردن ماشین ها و با بستن جاده، کمتر از ده دقیقه با مردم گفت و گومی کردند و سپس مسیر جاده را باز می کردند. کارکنان این شرکت نیز حاضر به شنیدن صحبت های رسول لاهیجانیان، رئیس حوزه ستادی وزارت نفت نشدند. یکی دیگر از کارشناسان شرکت حفاری نفت ایران گفت: «واگذاری صد در صد سهام این شرکت باعث بروز نگرانی هایی بین ۶ هزار پرسنل شرکت و ۳۰ هزار خانواری که مستقیم و غیر مستقیم وابستگی اقتصادی به این صنعت دارند، شده است.» روزنامه حیات نو، شنبه ۳۰ مهر ماه، از قول یکی از معترضان به واگذاری این شرکت نوشت: «شرکت ملی حفاری با داشتن قریب به ۶ هزار نیروی انسانی و به کارگیری پیچیده ترین تخصص ها، یکی از سود آورترین صنایع کشور است و کارکنان از چنین تصمیمی این برداشت را دارند که عده ای به سود سرشار این صنعت دل بسته اند. این روزنامه در گزارشی دیگر از قول نعمت الله علیرضایی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون انرژی نوشت: «نمایندگان عضو کمیسیون انرژی مجلس دو روز دیگر برای بررسی موضوع واگذاری شرکت ملی حفاری به خوزستان می روند.» وی اضافه کرد که، اگر اعضای کمیسیون پس از این بررسی ها قانع نشوند، در مقابل این واگذاری ایستادگی می کنند و وزیر نفت را برای پاسخگویی در این مورد به صحن مجلس می خوانند.

به دنبال همین مقاومت و ایستادگی یکپارچه کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران بود که ایستار روز یکشنبه اول آبان خبر عقب نشینی مقامات دولتی را در مقابل کارکنان این شرکت داد. ایستار گزارش داد که، وزیر نفت با توقف عملیات واگذاری شرکت ملی حفاری ایران به صندوق های بازنشستگی و پس انداز کارکنان صنعت نفت موافقت کرد. این در حالی بود که هفته گذشته در مقابله با اقدامات اعتراضی کارکنان شرکت مزبور، وزیر نفت آنها را مورد تهدید قرار داده بود. وزارت نفت در یک بیانیه که حاکی از عقب نشینی کامل آنها در برابر زحمتکشان بود، این اقدام ضد مردمی را یک کار عجولانه ارزیابی کرد و اعلام کرد رابطه استخدامی این شرکت کساکان تابع مقررات اداری و استخدامی شرکت ملی نفت ایران می باشد. کهرام دیگر نماینده اهواز در مجلس اعتراف کرد که، بررسی امر واگذاری شرکت به بخشی که هیچ گونه حساسیتی در اداره شرکت ملی حفاری ندارد، نشان دهنده این است که شرکت های بین المللی در این امر دخالت دارند. (ایستار، اول آبان)

در رابطه با این حرکت یکپارچه کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران، چندین نکته باید مورد بررسی و تأمل قرار گیرد. این تحصن و اعتصاب پیروزمندانه کارکنان شرکت حفاری که به مدت بیش از یک هفته ادامه داشته است، عملاً با سکوت گروه های سیاسی داخل کشور مواجه بوده است. این مسأله از آن رو با اهمیت است که بنا به اعتراف دست اندرکاران، در یکی از استراتژیک ترین صنایع ملی ایران که در ارتباط مستقیم و حیاتی با منافع مردم قرار دارد، اقداماتی صورت می گیرد که دقیقاً در جهت خواست های شرکت های خارجی نفتی برای نیابول بیشتر است. این مسأله به اضافه در معرض خطر بودن امنیت شغلی و اقتصادی نزدیک به ۶ هزار نفر از زحمتکشان که با احتساب خانواده های آنان و کسانی که در این رابطه ارتزاق می کنند، یک جمعیت ۳۰ هزار نفری را شامل می شوند، بایستی از حساسیتی بالایی برخوردار باشد. اما همانند گذشته در ارتباط با مسائلی کارگران و زحمتکشان هیچ گونه اقدام عملی در حمایت از این قشرهای میلیونی صورت نگرفته است. این مسأله از آن رو قابل تأمل است که بنا به اظهارات نماینده مجلس از اهواز، تنها سسی گردیده با این مسأله طوری برخورد شود که به روند اصلاحات لطمه ای نخورد. مشخص نیست چرا برای روند اصلاحات که اتفاقاً با پشتیبانی همین قشرهای محروم و زحمتکش تاکنون توانسته است ادامه یابد، باید چنین برخوردهایی همانند گذشته صورت گیرد؟ آیا این به معنی نیست که در رابطه با سیاست های خانمان برانداز خصوصی سازی، بخصوص در عرصه های مهم و استراتژیکی همچون صنعت نفت، توافقی همه جانبه وجود دارد؟ و بالاخره حمایت از منافع ملی و زحمتکشان چه منافاتی با روند اصلاحات می تواند داشته باشد؟

نکته دیگر اینکه، تجربیات مبارزات کارگری چند سال گذشته، کارگران و دیگر زحمتکشان را همچون بولاد آبدیده کرده است. اقدام کارکنان شرکت ملی حفاری و ایستادگی و پافشاری آنها بر تحقق خواست هایشان بدون اینکه هیچ گونه توهمی مبتنی بر وجود آمدی در رده های بالای مملکتی برای دستیابی به خواست هایشان داشته باشند، نشانگر این درک دقیق و عالی کارگران از توان محدود رهبری جنبش اصلاح طلبی در پاسخگویی به خواست های آنان است. کارکنان با اقدامات اعتراضی مختلف و همبستگی بار دیگر نشان دادند که تنها با همبستگی، تشکل و سازمان یافتگی است که می توان به پیروزی های چنین حیاتی دست پیدا کرد. چنین پیروزی ارزشمندی، تجربه گرانبهایی برای جنبش کارگری میهنان است. کارگران و دیگر زحمتکشان باید با استفاده از این تجربه غنی به مقابله با سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. حزب توده ایران، حزب کارگران و توده های رنج و زحمت، پیروزی بزرگ فتنگران خوزستان را به همه کارگران میهن مان تبریک می گوید و آنها را به تشدید تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی فرا می خواند. در ماه های آینده مسایل بسیار مهمی پیش روی جنبش کارگری قرار دارد. مسأله رسیدگی به لایحه خارج کردن کارگاه های کوچک از شمول قانون کار، که توسط مجلس پنجم به تصویب رسید، از جمله موضوعات مهمی است که به هوشیاری و حرکت منسجم و سازمان یافته کارگران نیازمند است. تنها با این هوشیاری است که می توان امیدوار بود حقوق کارگران و زحمتکشان در رایزنی ها و «مصلحت طلبی ها» بین «نیروهای خودی» فدا نشود. پیروزی فتنگران خوزستان بر رژیم «ولایت فقیه»، تجربه ارزشمندی است که همه جنبش باید و می تواند از آن بهره بگیرد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 594
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 October 2000

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۲۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse